



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

### مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، هم‌هانش می‌تواند تداومی‌کننده مسأله یا احياناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

## یادداشت ۱

یک شیشه شربت آنتی‌اسید را روی پیشخوان داروخانه جلوی تکنیسین گذاشت و اظهار داشت که چون خراب شده است، آن را پس بگیرد! شربت دوفاز شده بود و در اثر تکان دادن هم به صورت سوسپانسیون در نمی‌آمد. از ایشان سؤال کردم که شربت را کجا نگه داشته است؟ اظهار داشت که در یخچال نگهداری شده و درش هم باز نشده است. برای ایشان توضیح دادم که شربت آنتی‌اسید باید در هوای اتاق نگهداری شود و در یخچال دوفاز می‌شود و در اثر تکان دادن هم یک‌نواخت نمی‌شود.

## یادداشت ۲

یک نفر که در مرغداری کار می‌کرد به داروخانه مراجعه نمود و راجع به این که اگر به جوجه‌ها و مرغ‌ها زیادی آنتی‌بیوتیک بدهد، چه اتفاقی می‌افتد، سؤال داشت. بلافاصله هم اظهار داشت که آیا مقدار زیاد آنتی‌بیوتیک، در بهبود زودتر آن‌ها و درمان کامل ترشان مؤثر است یا خیر؟ برایش توضیح دادم که هر چیزی اندازه‌ای دارد و حتماً باید به مقدار مشخص مصرف شود. دارو که جای خود دارد، اگر غذای معمولی را هم زیادتیر از حد معمول مصرف کنی، قطعاً دچار سوء هاضمه و دیگر مشکلات گوارشی خواهی شد! البته ایشان را به مراجعه به دام‌پزشک نیز توصیه کردم.

## یادداشت ۳

وارد داروخانه که شد، کمی سراسیمه بود. نام یک داروی خارجی پایین آورنده قندخون را آورد و گفت: لطفاً یک ورق بدهید. گفتم: خارجی‌اش نیست. تولید داخل آن موجود است. گفت: دکترم گفته حتماً خارجی‌اش را پیدا کن! بیش از بیست داروخانه را گشتم و پیدا نکردم. گفتم: از دکترتان سؤال می‌کردید که از کجا پیدا کنم؟ سؤال کردم و وی هم با خونسردی گفت: مشکل شما است! بیمار که از داروخانه رفت، همه‌اش به این فکر می‌کردم که مشکل شما است یعنی چی؟ پزشک باید از بازار دارویی خبر داشته باشد و یا با داروساز داروخانه مشورت کند، تا مریض را آواره شهر نکند!

## یادداشت ۴

نحوه نگهداری دارو از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و حتماً باید از طرف بیمار رعایت شود. خانمی یک شیشه شربت کوآموکسی کلاو را که به صورت سوسپانسیون درآمده بود را آورد و سؤال داشت که چرا تغییر رنگ داده است؟ برای ایشان توضیح دادم که این دارو وقتی به وسیله آب جوشیده سرد شده به صورت سوسپانسیون درمی‌آید، باید بعد از هر بار مصرف در یخچال نگهداری شود تا از تغییر رنگ آن جلوگیری شود. البته اگر علی‌رغم نگهداری در یخچال،

مختصری تغییر رنگ بدهد مهم نیست و از نظر تأثیر دارو مشکلی ندارد.

عبیدی بود که خوب بودنش به این دلیل است که اولین بار به بازار دارویی عرضه شده است!

## یادداشت ۵

معمولاً هر دارویی که اول بار به بازار دارویی می‌آید، چون بسیاری از بیماران تا مدت‌ها از آن مصرف می‌کنند، هم برای ادامه درمان دنبال آن هستند و هم آن دارو معمولاً سهم بازار بیشتری از دیگر رقبای خود دارد.

البته، این فتوایی کلی نیست و در مورد همه داروها صدق نمی‌کند، ولی تأثیر زیادی در بازار دارو دارد.

خانمی کپسول اومپرازول خواست و تکنیسین هم به ایشان داد. بلافاصله آن خانم اظهار داشت که من از آن خوب‌هایش می‌خواهم! مقصودش کپسول اومپرازول کارخانه دکتر

## یادداشت ۶

خانمی حدوداً سی ساله وارد داروخانه شد. جعبه دارویی را نشان داد و تقاضای یک برگ یا همان بلیستر از دارو را کرد. قیمت را گفتم. کارت خود را تحویل‌م داد. دو بار کارت را روی کارت‌خوان کشیدم، ولی ظاهراً سیستم به دلیل شلوغی کار نمی‌کرد. خانم هم پول همراهش نبود و دارو را نبرد. از وقتی ایشان از داروخانه رفته، من در این فکر هستم که تکیه کامل به کارت و عدم همراه داشتن حداقلی از پول، نه تنها باعث مشکلاتی مثل مشکل آن خانم می‌شود، بلکه نشان می‌دهد که هنوز فرهنگ استفاده از کارت اعتباری در مملکت ما نهادینه نشده است!